

تشکیلات اداری در دوره هخامنشیان

سازمان قضائی و آئین دادرسی هخامنشیان

وضعیت قضاوت در کشورهای فتح شده

تشکیلات قضایی ممالک غیر ایرانی ظاهراً وضع قضایی خود را به همان شکل پیشین خود حفظ کرده بودند. یعنی اقوام تحت سلطه با توجه به آیین و مقررات مذاهب و ادیان خاص خود به قضاوت میپرداختند و حاکمان هخامنشی هیچ دخالتی در نظام اجتماعی ایشان نمی نمودند.

این یکی از ملاک ها و عوامل بسیار مهم ساختار قدرت هخامنشی بود که نقش بسیار زیادی در ثبات این دولت و ماندگاری آن داشت. همچنین امکان حفظ فرهنگ های محلی و نظام های عادی در جوامع جدید را فراهم می ساخت.

حیطه اختیارات حاکمان منسوب از طرف هخامنشی ها

با این حال نسبت به آنچه که به سیاست کشور یا شخص پادشاه مربوط میشد، قضاوت آن توسط قضات بلندپایه و معتمد بنام ساتراپ ها و یا توسط پادشاه هخامنشی بود. این ساتراپ ها در واقع نماینده مرکز در استان های اطراف بودند و به نوعی حاکمان هخامنشی محسوب می شدند.

جرائم مربوط به امنیت کشور از قبیل طغیان و توطئه در صلاحیت ساتراپ ها بوده است، و آنها لااقل در امور جزایی خاص خود، دارای همان حقوقی بوده اند که پادشاهان هخامنشی دارا بوده اند .

نظام قضایی در استان ماد و پارس

در مورد تشکیلات قضایی ممالک ایرانی امپراطوری باز هم باید بین ممالکی که اقوام پارس ها و ماد در آنجاها زندگی میکرده اند با سایر ممالکی که بقیه اقوام ایرانی در آنجا سکونت داشتهاند تفاوت قائل شد .

با توجه به وجوه اشتراکی که خصوصاً از لحاظ سیاسی بین قوم پارس و ماد وجود داشته است میتوان گفت که در پارس و ماد تا اندازه قابل توجهی تشکیلات قضایی و قواعد حقوقی واحد و یا دست کم خیلی شبیه به هم بوده. لیکن در سایر ممالک ظاهراً وضع تقریباً همانند ممالک غیر ایرانی امپراطوری بوده است .

به عبارت دیگر در استان هایی مانند عیلام ، با وجود آنکه ایرانی محسوب می شدند ، بازهم همان ساختار قضایی پیش از حکومت هخامنشی برقرار بود .

عدالت و قانون در زمان هخامنشیان

در زمان هخامنشیان به داوری و احقاق حق اهمیت داده میشد، چنانچه به نقل از هرودت مورخ نامی آورده شده است :

- «بیش از هر چیز دادگستری مورد توجه ایرانیان بوده است . چنانچه مردی بسیار بزرگ و باهوش که دیوکیس نام داشت میان قوم ماد قد برافراشت .
- مادها او را در دهکده خود به عنوان قاضی برگزیدند. ساکنان دهکده های دیگر نیز به سوی او شتافتند و دعاوی خود را به داوری او واگذار نمودند.

- روزی رسید که مردم به هیچکس جز او برای مرافعات خود رو نمیآوردند.

سرانجام در یک انجمن همگانی به پادشاهی انتخاب شد.»

و او کسی نبود جز کورش بنیادگذار سلسله هخامنشی .

تنظیم قانون در دولت هخامنشی

در مورد جمع آوری قانون در زمان هخامنشی گفته شده است که :

- «در زمان سلطنت داریوش، وی دستور داد که یک قانون مدنی کامل از روی

قوانین کشورهای تابعه و قوانین ایران تهیه و مورد عمل قرار دهند که بعدها

همان قانون پایه گذار قانونگذاران روم و سایر کشورهای جهان گردید.»

چنانچه افلاطون ، قانون ایرانی بعنوان نمونه ای عقل و درایت توصیف شده است .

دادگاه های مختلف در این دوره

- عدالت در زمان هخامنشیان توسط دادگاههایی که به ریاست سران طبقات

جامعه تشکیل میشد اجراء میگردد، ایشان در آراء و احکام قضایی خود به

سنن کهن و قوانینی که « داتا » نامیده میشد استناد میکردند.

- دادگاههای رسمی دیگری وجود داشت که داوران آنها به «داته برا» مرسوم بودند و مستقیماً از طرف پادشاه منصوب میشدند و شغل آنان نیز مورثی بود.

استبداد ایرانی یا نظمی اجتماعی؟

موروثی بودن قضات، نشان از آن دارد که استبداد ایرانی، به مفهومی که نزد غربی‌ها معروف است، نبوده است. چنانچه وراثت در میان قضات موجب می‌شده است که نظمی اجتماعی در میان مسؤولین اصلی قضاوت در کشور وجود داشته باشد که خارج از حیطه اختیار شاه بوده است و شاه مجبور به پیروی از آن می‌بود.

به همین جهت امکان آن نبود که شاه هرکس را که می‌پسندد و دوست دارد، نصب کند و از طرف دیگر مجبور بود که کارها و تصمیماتش را با این قضات هماهنگ نماید و از مخالفت با آنها بطور علنی دست بردارد.

راجع به اهمیت عدالت و اجرای آن در عهده هخامنشی منقول است که کورش از زبان استاد خود گفته است:

- عدالت آن است که به مقتضای قانون و حق باشد و هرچه را از راه حق منصرف شود ستم و بی عدالتی است و قاضی عادل آن است که فتوایش به اعتبار قانون و مطابق حق باشد».

شورای مشورتی شاهی

شورایی از داوران شاهی که برای مدت عمر تعیین میشدند در مسائل مشکل حقوقی به او کمک میکردند این شورا خود نیز حق داوری داشت و شاه مراقب بود که مبادا در احکام آنها تجاوزاتی روی دهد .

این مسئله هم تأکید دیگری است بر نظام غیر استبدادی حکومت و قضاوت . چرا که وجود قضاتی مادام العمر مانع آن می شد که قضات برای ترس از برکنار شدن ، مخالف حق و قانون عمل کنند و یا بر طبق رضایت شاه عملی نادرست را مرتکب شوند .

حمایت از قوانین ملت ها

آخرین اعلامیه داریوش برنامه جهاننداری اوست که از آن به نام برنامه فرمانروایی جهانی آریایی یاد شده است .

بدین اساس هر جامعه مذهبی یا قومی که به رسمیت شناخته شده بود قانون نامه ای

تهیه کرد و برای آنکه قانون نامه ها لازم الاجراء گردد، او خود را حامی و مروج آنها میدانست و هر یک را «قانون شاهی» میخواند و از آن پس در امور قضایی بنابر «قانون شاهی» عمل میشد .

قوانین ملت ها

- **مصری ها:** قانونهای مصری به فرمان داریوش گردآوری شد.
- **مغان زرتشتی:** مغان نیز به دستور داریوش به جمع آوری قوانین خود مشغول شدند و اصل کتاب وندیداداز جمع آوری این قوانین به دست آمده است.
- **یهودیان:** یهودیان به دستور داریوش قوانین دین خود را جمع آوری کردند و هنوز هم در زبان عبری قانون را «دات» میگویند که از واژه «داته» فارسی باستان آمده است.

نمایی دیگر از نظم غیر استبدادی با ظاهر فردی

در ایران زمان هخامنشیان، از آنجایی که تمام قدرتها و اختیارات و من جمله قوه قضاییه زیر نفوذ و اقتدار شاه بود، هیچ حق و منطقی در مقابل او عرض وجود نمیکرد و غالباً شاه عمل قضاوت را به یکی از دانشمندان مجرب و سالخورده واگذار می نمود .

بعد از آن یک محکمه عالی وجود داشت که از هفت نفر قاضی تشکیل میشد و پایینتر از محکمه های محلی بود که در سراسر کشور وجود داشت .

این نشان می دهد که چنین مرسوم بوده است که حتماً شاه ، فردی سالخورده و کارکشته و نه جوان و خام را از میان دانشمندان کشورش برگزیند و او عالی ترین مقام قضایی کشور و امپراطوری خواهد بود .

یعنی چنین نیست که شاه به هر ترتیبی که خود بخواهد ، حکم کند و دیگران را به مجازات برساند تا نابسامانی و اضطراب همه مردم را بگیرد .

نقش کاهنان و غیر کاهنان

قوانین و مقررات را کاهنان وضع میکردند و تا مدت زیادی کار رسیدگی به دعاوی را برعهده داشتند ولی بعدها افرادی به این گونه کارها رسیدگی میکردند که از طبقه کاهنان نبودند .

معمولاً در دعاوی به استثناء آنهایی که از اهمیت فراوان برخوردار بودند ضمانت را میپذیرفتند و در محاکمات از راه رسم خاص و منظمی پیروی میشد .

نقش و اختیارات شاه

در زمان هخامنشیان چون ریاست عالی امور قضایی کشور برعهده شاه بود، او بزرگترین داور محسوب شده و احکام نهایی با رأی و صلاحدید او صادر میشد . شاه میتواند مجرم را عفو نموده یا در مجازات وی تخفیف داده و یا مجازاتی دیگر غیر از آنچه که در قانون پیش بینی شده بود مقرر نماید و حتی کیفرهای دیگر را نیز به نحوی که صلاح میدید در مورد مجرمین به مورد اجرا میگذاشت .

چنین حقی معمولاً در همه قوانین کشورها ، بصورت های کم یا زیاد وجود دارد و عالی ترین فرد اجازه نقض حکم را داراست . چنانچه رئیس جمهور در کشور آمریکا می تواند حکم اعدام را نقض کند و یا حتی برخی قوانین کنگره (مجلس در نظام آمریکا) را نقض کند .

آئین دادرسی و روش محاکمه

در زمان هخامنشیان برای آنکه کار محاکمات به درازا نکشد برای هر نوع دعوی مدت زمان معینی مقرر شده بود که می بایست در ظرف آن مدت حاکم صادر شود .

همچنین به طرفین دعوی پیشنهاد سازش از طریق داوری میکردند تا دعوایی که میان آنها اتفاق افتاده است توسط داور و به طرفین مسالمت آمیز حل و فصل شود .

سخنگویان قانون یا وکیلان

چون رفته رفته سوابق قضایی زیاد شد و قوانین و مقررات طول و تفصیل پیدا کرده بود گروه خاصی به نام « سخنگویان قانون » پیدا شدند که مردم در امور قضایی با آنها بحث و مشورت میکردند و برای پیش بردن دعاوی خود از ایشان کمک میگرفتند .

آموزش و قضاوت در دوره هخامنشی

دادگستری

قوه عالی قضایی در اختیار شخص شاهنشاه بود . ولی شاه غالباً را به یکی از موبدان یا ریش سفیدان کشور واگذار می کرد . پس از آن دادگاه عالی بود که از هفت

قاضی تشکیل می شد . پایین تر از آن دادگاههای محلی بود که در سراسر کشور وجود داشت .

قوانین را موبدان وضع کرده به نظر شاه می رسانیدند . در اواخر دوره هخامنشی افرادی غیر از موبدان و حتی زنان نیز به منصب داوری برگزیده می شدند . برای هر نوع محاکمه مدت معینی مقرر بود که بایستی در ظرف آن مدت حکم صادر شود . غالباً به طرفین دعوی پیشنهاد سازش از طریق داوری می کردند .

وکیلان

چون رفته رفته قوانین کشور توسعه یافت گروه خاصی به نام « سخنگویان قانون » یا « وکلای دادگستری » پیدا شدند که مردم در کارهای قضایی خود به ایشان مراجعه می کردند .

پادشاهان هخامنشی خود را مظهر عدالت و دادگستری می دانستند .

سخن داریوش در کتیبه بیستون

داریوش در کتیبه بیستون می گوید : « اهورامزدا و ایزدان از آن جهت مرا یاری کردند که من و دودمانم بد دل و دروغگو و بی انصاف نبودیم : من از روی عدل و داد پادشاهی کردم و بر هیچ ضعیفی ستم روا نداشتم » .

آموزش و پرورش

به قول استرابون از سن پنج تا بیست و چهار سالگی به پارسیان می آموزند که تیر و زوبین بیندازند و راست سوار شوند و راست گویند .

مربیان ایشان مردمانی پاکدامن هستند و داستانهای سودمندی را برای کودکان خود حکایت می کنند .

برنامه روزانه

جوانان باید پیش از برآمدن آفتاب از خواب برخیزند . سپس آنان در میدانی گرد آمده به دسته های پنجاه نفری تقسیم می شوند و هر دسته را به فرزند یکی از امیران می سپارند . این شخص دسته خود را به مسافت بیش از یک فرسنگ می دواند . سپس درسی را که فراگرفته اند از آنان می پرسد .

سلامت جسمانی

جوانان باید بلند سخن بگویند تا شش های ایشان ورزیده شود . به آنان می آموزند که در گرما و سرما و در هنگام سختیها بردبار باشند . جوانان باید گله ها را بچرا برند و تمام شب را در هوای آزاد کشیک بکشند . مدت خدمت سربازی ایشان از بیست تا بیست و پنج سالگی است .

تربیت اجتماعی

وظیفه آموزش و پرورش را معمولاً مغان عهده دار بودند . یکی از اصول رایج آن زمان این بود که دبستانها نزدیک بازار نباشد تا دروغ و دشنام و تزویری که در آنجا رایج است موجب تباهی و فساد اخلاق کودکان نشود .

ایرانیان از کودکی آموخته می شدند که از افکندن آب دهان و قضای حاجت در کوچه ها و حضور دیگران و آلوده کردن آب روان اجتناب نمایند .

منظور از تربیت در آن دوره آن بود که جوانان را دلیر و فداکار و خردمند و آراسته به زیور ، اخلاق و مفید به حال کشور و جامعه بارآورند .

نظام اجتماعی هخامنشیان

اوضاع اجتماعی:

پایه و اساس زندگی اجتماعی آن روز، کشاورزی بود. در این دوره مأموران دولتی مخصوصی وجود داشت که ناظر در امور کشاورزی و متصدی وصول مالیاتها بودند.

حمایت ویژه هخامنشیان از گسترش کشاورزی

پادشاهان هخامنشی به کسانی که زمینهای بایر را تبدیل را اراضی زراعتی یا پرداخت می کردند و به احداث قنوات می پرداختند، پاداش خوبی می دادند.

دامداری و صنایع دستی

دامداری رواج فراوان داشت و اسبهای نسا که در ماد پرورش می یافتند، شهرت بسزایی داشتند. هر ایالت و شهری به صنعت دستی خود مشهور بود.

بازرگانی و امور مالی

در بابل و بین النهرین بازرگانی رواج فراوان داشت. بانکهایی که برای توسعه تجارت و کشاورزی به مردم وام می دادند، تشکیل شده بود که معروفترین آنها دو بانک برادران اگیبی و پسران موراشو در بابل بوده است.

امیران و بزرگان و دستگاههای اداری و مذهبی ، کارگرانی داشتند که آنان را «مانیا» می خواندند . بر اینان که بردگانی بیش نبودند داغ می نهادند و در امور ساختمانی و کشاورزی و صنعت از وجودشان استفاده می کردند . اینان از اسیران جنگی بشمار می رفتند و آنان را غالباً در روستاها ساکن می دادند .

وضعیت اراضی

قسمت اصلی اراضی کشور بااستثنای املاک برده نشین ، به وسیله کشاورزان اداره می شدند . این کشاورزان حق نداشتند آن اراضی را ترک کنند و با همان زمینها به مالک دیگر منتقل می گشتند .

قسمتی از اراضی کشور به معابد اختصاص داشت . در این نقاط کانونهای انبوه بردگان بوجود آمده بود .

طبقات

در روزگار هخامنشی مردم ایران بر پنج طبقه به شرح زیر تقسیم می شدند :

- بزرگان .
- مغان .
- کشاورزان .
- بازرگانان و پیشه وران .

• بردگان.

از طبقه بزرگان هفت خانواده پارسی در درجه اول بودند و مناصب لشکری و کشوری در دست آنان بود. مغان یا روحانیان از طوایف ششگانه ماد بودند که در دوره هخامنشی نیز اهمیت و اعتباری داشتند و اجرا کننده مراسم مذهبی بشمار می رفتند.

نظام مالی درخشان داریوش

هرودت می نویسد که داریوش مالیات ایران را به نقدی و جنسی تعیین کرد و ایران را به بیست منطقه مالیاتی تقسیم نمود و همراه با هرساتراپ (یا همان استاندار) یک نفر امین در امور مالی نیز روان داشت.

تمام مالیاتها در خزانه شاهی نگاهداری می شد. طلا و نقره را آب کرده در کوزه های سفالین می ریختند و هر وقت پولی لازم می شد شاه حکم می کرد که قسمتی از شمشها را ببرند و مورد استفاده قرار دهند.

قانون گزاران در اسطوره های ایرانی

نخستین خانواده‌های که در میان ایرانیان به حکومت رسیده اند پیشدادیان نام داشتند که به معنی نخستین قانونگذاران است و پادشاهان این سلسله چون هوشنگ و طهمورث و جمشید و فریدون و غیره در نامه های اوستا و نوشته های بجای مانده از زبان پهلوی از اولین قانونگذاران ایران به شمار میروند .

از طرف دیگر، چون بنا بر نامه وندیداد زمان پادشاهی جمشید را با دوره نوح برابر میدانند و شرح طوفان و یخ در زمان جمشید درست شبیه به شرح طوفان باران و سیل زمان نوح میباشد، بر این اساس پیدایش حقوق را میتوان در ایران به زمان بسیار دوری که تاریخ آن بر ما مجهول است جلو برد .

تاریخ حقوق در ایران را میتوان با تاریخ آریایی ها در این سرزمین و تشکیل نخستین گروه و اجتماع این قوم پیش برد زیرا هیچ اجتماعی بدون قانون دوام و بقایی نخواهد داشت .

بنا بر اسطوره ها ، نخستین کسی که در بین ایرانیان به تدوین و وضع قانون پرداخت شاهزاده اوراخشیه برادر گرشاسب پهلوان دوره اوستایی است .

نمونه ای از قوانین باستانی ایران

- اصل عدم عقاب بلا بیان : در نامه ارتخشترای اول به عزرا که مأمور ایجاد تشکیلات قضایی برای اقوام یهود براساس کتاب تورات بوده است چنین آمده است :

برای تمام قوم آن طرف رود برای تمام آنها که قوانین خدای تو را میدانند، قضات و مأمورینی معین کن و به آنها که از این قوانین بی اطلاعند ، این قوانین را آموزش بده

عبارت یعنی قضات برای آنکه بتوانند بین افراد قضاوت کنند، آنان باید به قوانین آگاهی داشته باشند و این همان اصل عدم عقاب بلا بیان است .

- مقایسه کارهای خوب و بد مجرم برای تعیین مجازاتها

مکاتبات و ثبت اسناد

در ایران از عهد باستان، مانند سایر تمدن‌های کهن، اسناد و مدارک را در آرشیوها بایگانی می‌کردند و برای آن اهمیت زیادی قائل بودند؛ چنانکه در دوره هخامنشی زیربنای تشکیلات اداری امپراتوری را بایگانی سلطنتی تشکیل می‌داد و رئیس سازمان اداری، رئیس بایگانی سلطنتی بود که فرمان‌های شاه را به زیردستان ابلاغ می‌کرد. وی مسئول ضبط و ربط مکاتبات حکومتی، فرمان‌ها و دستورهای شاه، و دیگر وقایع مهم روز بود. در کتاب تورات، باب پنجم و ششم کتاب عزرا ضمن اشاره به وجود خزانه اسناد و مدارک، عرض حالی از یهودیان به داریوش را آورده و می‌نویسد:

"پس اگر پادشاه مصلحت داند، در خزانه پادشاه که در بابل است تفحص کنند که آیا چنین است یا نه که فرمانی از کورش پادشاه صادر شده بود... در کتابخانه بابل که خزانه‌ها در آن موضع بود تفحص کردند و در قصر احمتا، که در ولایت مادیان است طوماری یافت شد و تذکره در آن بدین مضمون مکتوب بود."

فرمان بالا، قدیمی‌ترین فرمان پادشاهان ایران است که کورش هخامنشی در ۵۳۸ م. صادر کرده و متن آن به استوانه بابلی معروف است که در ۱۸۷۹ در کاوش‌های شهر بابل به دست آمده است و اصل آن اکنون در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود.

در ایران دوره هخامنشی برای انجام مکاتبات، معمولاً از چرم و پاپيروس استفاده می‌کردند. این مواد، عمدتاً به سبب آسیب‌پذیری از بین رفته‌اند. خوشبختانه تعدادی از آنها در شن‌زارهای مصر پیدا شده است. یکی از اینها یک کیسه پستی حاوی چندین نامه است که به دلایلی به مقصد نرسیده و حاوی دستورهایی است که در سال‌های ۴۱۰ تا ۴۱۱ م. نگاشته شده است. در این دوره، اسناد مهم دولتی را در منطقه استخر فارس در محلی به نام دژنبشت یا دژنوشت نگهداری می‌کردند. طبق روایت، اوستا نیز در همین محل نگهداری می‌شد.

چنین به نظر می‌رسد که مخازن آرشیوی ایران در این عصر در مناطق اکباتان، بابل، شوش، پرسپولیس، و دیگر شهرهای محل اقامت شاهان ایرانی قرار داشته است. بعد از تسلط یونانیان بر ایران، اسکندر با بهره‌گیری از شیوه‌ها و بنیادهای آرشیوی ایران، سازمان آرشیو سلطنتی را توسعه داد. موضوع نگهداری اسناد برای او چنان مهم بود که پس از اینکه بخشی از اسناد و مدارک او در یک واقعه آتش‌سوزی از بین رفت، بلافاصله دستور داد از رونوشت آن اسناد که در اختیار فرماندهی نظامی بود، اسناد از بین رفته را دوباره رونوشت‌برداری کنند. تعداد زیادی از اسناد دوره اشکانیان به صورت یکجا در کاوش‌های سال‌های ۱۹۴۶-۱۹۵۰ توسط ام.ای. ماسن، باستان‌شناس روسی، در شهر نسا کشف شد که مؤید وجود آرشیو دولتی در آن زمان بود. موضوع این اسناد نیز که به خط پارسی مربوط به قرن دوم پیش از میلاد بود، شامل صورت‌حساب‌ها، اسناد خرید، احکام معاملات، و به اصطلاح "اسناد

کارپردازی "درباریان اشکانی می‌شد. این آرشیو شامل دو هزار و پانصد سند بود. در دوره ساسانیان، اسناد و مدارک دولتی و رونوشت‌برداری از اسناد، و به تبع آن آرشیو، دارای اهمیت و اعتبار خاصی شد. در این دوره "هرگاه شاه فرمانی صادر می‌کرد صاحب توقیع (ایران بویربند) آن را در محضر او روی کاغذ می‌آورد، خادم دیگری آن را در روزنامه یادداشت ثبت می‌کرد و این دفتر برای هر ماه جداگانه مرتب می‌شد و در آخر ماه به مهر شاه رسیده، در خزانه ضبط می‌شد... اگر سند راجع به التزاماتی بود که دولت ایران به یک دولت دیگر — تحت حکومت ایران یا مستقل — تعهد می‌کرد، با یک کیسه نمک مختوم به خاتم ملک، به نشان ثبات عهد و حفظ سوگند ارسال می‌شد". علاوه بر آن گزارش‌های مهم کشور را در مجموعه‌هایی به نام "سالنامه" تدوین می‌کردند و نگاهبانی برای نگهداری این سالنامه‌های سلطنتی داشتند که همان نگاهبان آرشیو سلطنتی بود. آن‌گونه که تحقیقات و کشفیات باستان‌شناسان نشان می‌دهد، ساسانیان اسناد و مدارک خود را در موضوعات مختلف به طور مجزا تنظیم و نگهداری می‌کردند. یکی از مجموعه اسناد کشف شده دوره ساسانیان، آرشیو اسناد سفیدی کوه مغ است و شامل نامه‌های سیاسی، گزارش‌ها، اسناد قضایی، صورت حساب‌های مالیاتی، و مکاتبات اداری است که از شهر پنج‌کند در سوغدیان به دست آمده و به قرون پنجم و ششم میلادی تعلق دارد.

بعد از سقوط ساسانیان سنت و روش ایرانی در حفظ و نگهداری اسناد مورد توجه حکومت‌های بعدی واقع شد. چنان‌که محل نگهداری اسناد و مدارک در تمام این دوره‌ها "خزانه" نامیده می‌شد. در دوره اسلامی خزانه اسناد جزء دیوان رسایل بود. در ترجمه تاریخ یمنی در این باره آمده است: "... دیوان رسایل که مخزنه اسرار است..." در دوره پادشاهان غزنوی هم از آنجا که آنها اغلب اوقات در سفر و اردوکشی بودند و پایتخت ثابتی نداشتند، معمولاً اسناد و مدارک را در اردوکشی‌ها با خود به همراه می‌بردند. در این دوره خزانه اسناد را "خزانه حجت" و مسئول آن را "دیوان‌بان" می‌گفتند. بیهقی در کتاب خود به این اصطلاحات با اهمیت خاصی اشاره می‌کند:

"... پس به دیوان باز آمد و آن ملطفه بوالفتح خاتمی نایب برید، مرا داد و گفت مهر کن و در خزانه حجت نه" و در جای دیگر می‌نویسد: "... امیر بخواند و گفت این ملطفه‌ها را پوشیده دارند؛ چنانکه کس بر این واقف نگردد. گفت چنین کنم و بیاورد و مرا داد و من بخواندم و مهر کردم و به دیوان‌بان سپردم."

درباره وجود آرشیو در دوره ایلخانان، جوینی در جهانگشا می‌نویسد: "... در باب تخفیف مؤن رعایا یرلیغی فرمود:

"سواد آن که مثبت است در خزائن ادراج و اوراق..." در این دوره بر اساس روش ساسانیان رونوشت فرمان‌ها و احکام دولتی را در دفتر مخصوصی ثبت می‌کردند و

برای هر سال دفتر جداگانه‌ای تهیه می‌کردند و در خزانه اسناد نگهداری می‌شد. از نوشته‌های تاریخ‌غازانی و جامع‌التواریخ رشیدی چنین برداشت می‌شود که در زمان‌غازان‌خان در هر ولایتی خزانه‌ای برای حفظ و نگهداری اسناد ایجاد شده بود و مرکز اسناد اصلی در دیوان بزرگ قرار داشت. متن بخشی از یرلیغ (فرمان)‌غازان‌خان در این مورد چنین است:

... "و هر مشکل که من بعد افتد از آنجا مطالعه نمایند و اگر کسی را شرطنامه یا لوحی که داده شده است، ضایع گردد، نسخه [ای] از آنجا بدهند تا صواب باشد و نسخه [ای] در دیوان بزرگ و یکی در هر ولایتی و شرفنامه‌ها در دست قضا و ارباب رعایا نهاده فرمودیم. "جلایریان نیز به تبعیت از ایلخانان، مراکز حفظ و نگهداری اسناد را ایجاد کرده و در موقع لزوم به سوابق مراجعه می‌کردند. در این دوره "قسمت دفاتر و اسناد، یکی از تشکیلات مهم دیوان بزرگ بود که به سرپرستی یک دفتردار و چندین منشی و کاتب اداره می‌شد". درباره اهمیت و کاربرد اسناد و مدارک آرشیوی در این دوره، در کتاب تاریخ آل‌جلایر چنین آمده: "همیشه دیوان بزرگ را دفترداری معین بوده که هرکس را به دفتر حاجتی افتادی در هر شهر و ولایت که بودی رجوع به او کردی و او دفاتر ولایات طلبیده، صورت واقعی را به وزیر و اصحاب باز نمودی و دفتر به عرض رسانیدی تا به هیچ کس شک و شبهه‌ای نماندی. "

در دوره صفویه، آن‌گونه که در منابع این دوره مانند تذکره‌الملوک آمده، اسناد و مدارک اهمیت ویژه‌ای داشتند. در این کتاب انواع اسناد و مدارک رایج در دوره صفوی تحت عناوین: رقم، حکم، مثال، پروانه، و تعلیقه بیاضی معرفی شده است و حکومت‌های پیشین رونوشت مکاتبات مهم دولتی در دفاتری ثبت می‌شد که به آنها "دفاتر خلود" گفته می‌شد. این دفاتر در محلی به نام "دفترخانه دیوان اعلی" نگهداری می‌شد و متصدی آن "دفتردار" نام داشت. درباره چگونگی نگهداری این دفاتر در تذکره‌الملوک آمده است:

... "دفاتر سنوات ماضیه که همیشه رجوعی به آنها نبوده و بعضی اوقات رجوع می‌شده و در انبار دفترخانه مضبوط بوده تحویل دفتردار و ضبط دفاتر مزبور با او بوده است."

در حکومت صفوی تهیه و ارسال اسناد و مدارک امور مملکتی بر عهده "منشی‌الممالک" بود و رقم‌نویس، حکم‌نویس، و مهرداداران با او همکاری می‌کردند. اسناد و مدارک این دوره، با توجه به تعدد و تنوع آنها، براساس گروه‌های موضوعی، منطقه‌ای، و زمانی تنظیم و طبقه‌بندی می‌شد و فهرست و مشخصات هر یک از این گروه‌ها را در دفاتر جداگانه‌ای به نام "سررشته" ثبت و نگهداری می‌کردند. در دستورالملوک در شرح شغل مستوفی، سرکار فیض به این موضوع اشاره کرده و می‌نویسد: "شغل او این بود که با چند نفر محرری که دارد به ضبط سررشته مستغلات و اجارات و محصولات و... اقدام نمود."

محل آرشیو در زمان صفویه عمارت چهل ستون بود. در اوایل دوره قاجاریه آرشیو در تشکلات دربار قرار داشت و جزء اداره بیوتات بود. اما در دوره ناصرالدین شاه به دلیل توسعه تشکیلات دولتی، علاوه بر آرشیو دربار، اسناد و مدارک سیاسی در وزارت امورخارجه متمرکز شد و آرشیو مالی در تشکیلات مستوفی الممالک (وزارت مالیه) قرار گرفت. در این دوره نیز مانند حکومت‌های پیشین رونوشت اسناد و مدارک مهم دولتی در دفاتر ثبت می‌شد تا در مواقع لزوم مورد بهره‌برداری قرار گیرد. عبدالله مستوفی درخصوص مکاتبات اداری و رونوشت‌برداری از اسناد در اوایل دوره قاجار می‌نویسد: "در اصطلاحات دفتری و فرمان‌نویسی گرده کار را از زمان صفویه گرفتند و مقرر داشتند که صدراعظم و مستوفی الممالک و منشی الممالک (رئیس دفتر مخصوص) و صاحب دیوان، پشت فرمان‌ها و برات‌های حواله و جوه دولتی را طغرا بگذارند و مهر کنند و مستوفیان دیگر هم تفتیش و نظارت خود را در آنها اجرا نمایند و هر یک سوادى از این فرمان‌ها و بروات بردارند و ضبط کنند تا از تلف و تفریط جلوگیری شود و حق به حقدار برسد."

پس از تهیه رونوشت از اسناد و مدارک در پایان سال مجموعه آنها را در میان دو تخته چوبی قرار داده و می‌بستند. در این دوره سفارتخانه‌های ایران در کشورهای دیگر هنوز بایگانی ثابت نداشتند و هر سفیر پس از پایان مأموریت خود همه اسناد و مدارک را با خود به محل جدید مأموریت منتقل می‌کرد. تا اینکه در ۱۳۱۷، مطابق ۱۲۸۷ش، وزارت امورخارجه در تمام حوزه‌های محل مأموریت خود

بایگانی‌های ثابت و منظم ایجاد کرد. با گسترش سازمان‌های اداری در ایران و تولید انبوه اوراق و پرونده‌های راکد، ایجاد آرشیو ملی و مرکز بایگانی راکد کل کشور به صورت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر مطرح شد.

در طول سال‌های ۱۲۸۰ تا ۱۳۰۹ ش. هیئتی فرانسوی و بلژیکی طرحی برای اصلاح نظام بایگانی کشور ارائه دادند و آن را به اجرا گذاشتند. بر طبق آن ادارات موظف شدند که دفاتر اندکس و نامه‌نما داشته باشند. این روش هنوز هم ادامه دارد. پس از آن، فکر ایجاد یک مرکز اسناد دولتی در تصویب‌نامه هیئت وزیران در ۱۳۰۹ شکل گرفت و به موجب آن مقرر شد کلیه قراردادها، امتیازات، و اسناد ایجاد هرگونه مؤسسه دولتی یا سهام مربوط به دولت، قبالات، خالصجات، و غیر آن به استثنای عهدنامه‌های سیاسی در اتاقی که وزارت مالیه در قصر گلستان، مرکز اسناد دولتی قرار داده به ترتیب مقرر ضبط و حفظ شود. پس از این تاریخ تا ۱۳۲۹ هیچ اقدامی در جهت ایجاد مرکز اسناد ملی صورت نگرفت.

در این سال با آنکه مطالعات و بررسی‌هایی توسط سازمان‌های دولتی مختلف انجام و پیش‌نویس لایحه قانونی برای امحای اوراق زاید تهیه شد، ولی به علت نارسا بودن به مجلس ارائه نشد. در ۱۳۳۲ دولت بررسی مقدماتی مشکلات تراکم روزافزون اوراق زاید را آغاز کرد و نتیجه آن یک سال بعد در مجلس مطرح شد. نخستین لایحه دولت برای اخذ مجوز قانونی امحای اوراق زاید در ۱۳۳۵ به مجلس سنا تقدیم شد، ولی به نتیجه نرسید. در ۱۳۴۱ شورای عالی اداری کشور موضوع حجم پرونده‌های

زاید را در دستور کار خود قرار داد. در ۱۳۴۳ تحقیقی انجام شد که نتیجه آن چنین گزارش شد: "در ۳۶ وزارتخانه و مؤسسه دولتی قریب به دو میلیون پرونده راکد وجود دارد که در ۲۷۰ اتاق و انبار انباشته شده و فضایی بیش از ۱۲ هزارمترمربع را اشغال کرده و هزینه نگهداری آن سالانه بالغ بر ۳۸ میلیون ریال است.

- 1-E.F.Schmidt,*Perspolis*I,OLC LXVIII,p.163,note38.
- 2-George Rawlinson,*The Seven Great Monarchies of the Ancient Eastern World* II,Chicago and NewYork,1875,p.339 f.
- 3-Ibid.,p.339,note 263 .
- 4-O.M.Dalton,*TheTreasure of the Oxus*,London;first edition1905,p.51;secondedition1926,p.xxxi f.
- 5-Xenophon,Cyropaedia I,iii,2 and VIII,ii,40.
- 6-Ibid.,VIII,iii,13.
- 7- R.C.Zaehner,Zurvan,a Zoroastrian Dilemma,Oxford,1955,pp.122.